

## کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در اشعار نصرت

### رحمانی

حسین اتحادی<sup>۱</sup>

#### چکیده

در پژوهش‌های نوین روان‌شناسی، رنگ یکی از شیوه‌های سنجش شخصیت افراد به شمار می‌آید، چراکه هریک از رنگ‌ها تأثیر خاصی بر روح و روان انسان‌ها می‌گذارد و می‌تواند بخشی از وجوه شخصیتی فرد را بازتاب دهد. در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی، تأثیر روان‌شناسی رنگ‌ها بر اساس نظریه ماکس لوشر، در اشعار نصرت رحمانی، بررسی و تحلیل شده است. بنا بر نتایج پژوهش، کاربرد چهار رنگ نخست شاعر مطابق با الگوی آزمایش لوشر نیست که بنا بر داده‌های تحلیلی آزمایش، بیانگر سرخوردگی و کمبودهای عاطفی و روانی رحمانی است. رنگ سیاه، بیشترین کاربرد را در شعر رحمانی دارد. کسی که رنگ سیاه را انتخاب اول قرار دهد، همه چیز را نفی می‌کند، چراکه احساس می‌کند هیچ چیز آن‌گونه که باید و شاید نیست. از رنگ‌های اصلی، قرمز پرکاربردترین رنگ است که بسامد بالای آن بیانگر روحیه عصبانیت و پرشور شاعر است. در مقابل رنگ سبز هم که از رنگ‌های اصلی محسوب می‌شود، در انتخاب‌های اول شاعر جای ندارد. این وضعیت نشان دهنده اضطرابی است که شخص از انواع تنش‌های واردشده، تحمل می‌کند. کلیدواژه‌ها: رنگ، نظریه لوشر، روان‌شناسی، نصرت رحمانی، زوج‌های رنگی، سیاه.

## مقدمه

رنگ به عنوان بخشی از زندگی انسانی و محیط پیرامونی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات به ویژه شعر دارد؛ اما به رغم تنوع رنگ در زبان رایج مردم، رنگ در ادب کلاسیک فارسی چندان رایج نبوده است. از همین رو شاعران متقدم زبان فارسی «محدودیت دایره رنگ‌ها را از رهگذر استعاره‌ها و تعبیرات خاصی که خلق کرده‌اند جبران کرده‌اند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۶۷) اما شاعران معاصر، در این زمینه متفاوت‌تر از اسلاف خود عمل کرده، رویکرد گسترده‌تری در استفاده از انواع رنگ داشته‌اند.

درباره اهمیت و کارکرد رنگ باید گفت «رنگ‌ها نوعی انرژی ارتعاشی و اصوات مرئیند که در زندگی نقش مهمی دارند. نفوذ رنگ بر روح و روان بشر نیز انکارناپذیر است. گرایش ذهنی به رنگ‌های مختلف، از محبوب‌ترین رنگ‌ها تا منفورترین آن، نشان دهنده بازتاب‌های مختلف شاخصه‌های روانی است. به بیان دیگر، رنگ نمودی از وضعیت روانی و جسمانی فرد است.» (پور علیخانی، ۱۳۸۰: ۱۱) رنگ‌ها و اثر آن بر ذهن و رفتار انسان، از طریق پژوهش‌های علمی ثابت شده است. «در روان‌شناسی یونگ از رنگ به عنوان مجموعه‌ای از نادانسته‌ها یاد شده که در آن دانش و تجربه انسان ذخیره شده است. گوته، رنگ را همچون جریانی فعالی در زندگی می‌دانست. او با ایجاد چرخه رنگ بر اهمیت تجربه کردن رنگ‌ها به عنوان احساسی گویا و اثر متقابل میان روشنائی و تاریکی تأکید کرد. دیدگاه گوته در تشریح اهمیت رنگ‌ها و تأثیر آن بر ما به همراه مشاهدات تحلیلی نیوتن، اساس نظریه معاصر رنگ‌ها را تشکیل می‌دهد.» (فلمار، ۱۳۷۶: ۱۲)

اساس پژوهش‌های روان‌شناسی رنگ بر این است که با استفاده از رنگ می‌توان خصوصیات روحی و روانی افراد را شناخت و رنگ می‌تواند در تشخیص احساسات و عواطف افراد به کار آید. از این رو، آزمون‌های مختلف کاربرد رنگ، برای کشف بهتر و دقیق‌تر خصوصیات روانی و احساسی افراد ارائه شده است. نظریه روان‌شناسی رنگ «ماکس لوشر» نظریه‌ای جدید در زمینه روان‌شناسی است که از طریق بررسی میزان علاقه یا تنفر فرد، نسبت به رنگ‌های مختلف، به شناخت روان و شخصیت انسان کمک می‌کند. ماکس لوشر، رنگ‌ها را به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌کند. بر اساس این تقسیم‌بندی، چهار رنگ آبی، قرمز، سبز و زرد رنگ‌های اصلی و چهار رنگ بنفش، قهوه‌ای، سیاه و خاکستری رنگ‌های فرعی محسوب می‌شوند. هریک از دو گروه رنگ، احساسات و عواطف خاصی را بازتاب می‌دهند. رنگ‌های

اصلی از نظر ماکس لوشر، بیانگر نیازهای روانی، نیاز به خشنودی مهربانی و محبت، اظهار وجود، نیاز به عمل و موفقیت و امید داشتن است. (لوشر، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۵)

در آزمایش لوشر، با دو موضوع محوری سر و کار داریم. نخست معانی و مفاهیمی که برای هر یک از رنگ‌ها از پیش تعریف شده است و دیگر، ترتیب قرار گرفتن رنگ‌ها در انتخاب آزمایش شونده است؛ یعنی با توجه به این که هر رنگی در چه مکانی قرار می‌گیرد، می‌توان مشخص کرد که رنگ مورد نظر، نمایانگر چه کنشی است، زیرا گرایش ذهنی به رنگ‌های مختلف، از مطلوب‌ترین تا منفورترین رنگ، نشان دهنده شاخصه‌های متفاوت روانی است. آزمون لوشر، مسائل بسیاری را در مورد ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه، ساختار روحی، ویژگی‌ها و احساسات درونی شخص را بازتاب می‌دهد.

در پژوهش حاضر کاربرد رنگ‌های مختلف، بر اساس نظریه لوشر، در شعر نصرت رحمانی تجزیه و تحلیل شده است. «نصرت رحمانی در سال ۱۳۰۸ در تهران زاده شد. او سال‌ها در چند مجله و روزنامه قلم زد و برای آن‌ها قصه نوشت و نیز مسئول صفحات ادبی آن مجلات بود. وی سال‌های پایانی عمر را در شهر رشت گذراند.» (صبور، ۱۳۸۷: ذیل رحمانی)

شعر رحمانی هم از نظر زبان و هم از نظر عاطفه و تخیل، در نظر منتقدان حائز اهمیت زیادی است. «رحمانی نخستین شاعر نوپرداز بود که کلمات روزمره و دم‌دستی و غیر شاعرانه را با ادراکی شاعرانه، وارد شعر کرده بود.» (اخوان‌لنگرودی، ۱۳۷۹: ۷۷) از منظر عاطفه و خیال‌انگیزی شعر او گفته‌اند «سطح عاطفی اشعارش فوق‌العاده عالی است. یک خشونت ناشی از محرومیت در همه اندام‌های شعری او جریان دارد، هم در زبان و هم در صور خیال. همین سبب می‌شود که خواننده احساس کند زمینه‌های عاطفی شعر او کاملاً بکر و تازه است.» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۲۹۶) باید گفت علی‌رغم جایگاه مهمی که نصرت رحمانی، در نظر منتقدان و صاحب‌نظران دارد، در پژوهش‌های دانشگاهی کمتر مورد توجه بوده است.

### پرسش‌های تحقیق

- ۱- اندیشه‌ها و نگرش‌های نصرت رحمانی، چگونه درگزینش رنگ‌ها بازتاب یافته است؟
- ۲- رویکرد رحمانی در انتخاب رنگ‌ها، چه شاخصه‌های روحی و روانی را نشان می‌دهد؟

### پیشینه تحقیق

بررسی اشعار شاعران ایرانی بر اساس نظریه رنگ ماکس لوشر، در چند سال اخیر رواج یافته است. از این جمله مقاله «کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد.» (۱۳۸۹) نتیجه گرفته که فرخزاد بیش از همه از رنگ سیاه در شعر خود بهره

برده که نشان دهنده محیط ناسازگار و غیر قابل تحمل شاعر است. در مقاله «تحلیل رنگ در اشعار شاملو بر اساس نظریه ماکس لوشر» (۱۳۹۱) مؤلف نتیجه گرفته است که شاملو شخصیتی نگران و مضطرب دارد. مقاله «روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما بر اساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر» (۱۳۸۹) نویسنده معتقد است که نیما یوشیج از ۸ رنگ پرکاربرد در شعر خود بهره برده که مهم‌ترین آن‌ها رنگ سیاه است. در مقاله «بررسی کاربرد رنگ در دیوان یدالله رویانی بر اساس نظریه روان‌شناسی ماکس لوشر» (۱۳۹۶) نویسنده نتیجه گرفته که در دیوان رویایی پرکاربردترین رنگ، سیاه است که نشان دهنده ناراضی‌تی شاعر از وضع موجود است. مقاله «مقایسه عنصر رنگ در اشعار حمید مصدق و احمد شاملو بر اساس نظریه ماکس لوشر» (۱۴۰۰) مؤلفان به این نتیجه رسیده‌اند که رنگ در آثار هر دو شاعر، حکایتگر تناسب اندیشه و عواطف خاص آنان است که با حیات سیاسی و اجتماعی و مقتضیات روزگارشان هماهنگ است. با وجود پژوهش‌های فوق، شعر نصرت رحمانی از منظر تأثیر روان‌شناسانه کاربرد رنگ‌ها تاکنون بررسی و تحلیل نشده است.

### روش تحقیق

این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای - اسنادی است که به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌گیرد. برای انجام تحقیق، ضمن رجوع به منابع نظری، مبانی و تعاریف مرتبط با روان‌شناسی رنگ از منظر ماکس لوشر، در شعر رحمانی، تجزیه و تحلیل شده است.

### بحث و بررسی

در ابتدا باید گفت، بر اساس رنگ‌بندی آزمایش لوشر، رنگ‌هایی که در رتبه‌های اول تا پنجم قرار می‌گیرند، رنگ‌های مورد علاقه فرد محسوب می‌شوند. در مقابل، رتبه‌های ششم، هفتم و هشتم، در میان هشت رنگ متفاوت، رتبه‌های طرد شده محسوب می‌گردند. هر یک از رنگ‌ها بسته به جایگاهی که در انتخاب‌های هشتگانه فرد دارند، می‌توانند در بردارنده معانی و مفاهیم متفاوتی باشند.

### الف) رنگ‌های اصلی

همان‌گونه که در مقدمه گفته شد، در آزمایش لوشر، چهار رنگ آبی، سبز، سرخ و زرد رنگ‌های اصلی محسوب می‌گردند. این چهار رنگ «بیانگر نیازهای روانی شخص، همچون نیاز به خشنودی، نیاز به اظهار وجود، نیاز به موفقیت و امید هستند.» (لوشر، ۱۳۷۹: ۴۳) در ادامه، هر یک از چهار رنگ اصلی، بر اساس بسامد کاربرد در شعر رحمانی، تجزیه و تحلیل می‌شوند.

## الف. ۱. رنگ سرخ

سرخ، پرکاربردترین رنگ اصلی در اشعار نصرت محسوب می‌گردد که در مجموع ۱۷۷ بار به کار رفته است. البته باید گفت واژه «خون» هم که مهم‌ترین تداعی‌گر رنگ سرخ است، در این آمار محسوب شده است. رحمانی بارها این واژه را، همراه با ترکیباتی همچون خون پرست، چشمه خون، شعله‌های خون، جغرافیای خون، رنگین‌کمان خون، فواره‌های خون، دودمان خون، عطرِ خون، خونِ جنون، تپشِ خون، خونِ ثواب، خونِ دریا، خونِ شعر به کار برده است. این همه ترکیب و تصویرسازی با واژه خون که رنگ سرخ را تداعی می‌کند، می‌تواند نشان دهنده روح ناآرام و عصیانگر شاعر باشد. لوشر هم رنگ سرخ را نماد خونی دانسته که در هنگام پیروزی ریخته می‌شود و درباره مفهوم این رنگ معتقد است «قرمز رنگ برانگیختگی است، دگرگونی انقلابی، نمایانگر نیرو و تأثیر زیادی است که شخص در مورد هدف و خواسته خود اعمال می‌کند. میل حریصانه به تمام چیزهایی است که نشانه‌ای از کمال در خود دارد.» (لوشر، ۱۳۷۳: ۸۳) یکی از محققان معتقد است رحمانی «در بیشتر شعرهای جوانیش، عصبی و عاصی به مسائل اطراف می‌نگرد. با همه جوانیش در شعر مثل رعد می‌غرّد و منفجر می‌شود.» (اخوان لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۰۳)

تاریخ چاپ دفترهای شعر نصرت رحمانی نشان می‌دهد که چهار مجموعه «کوچ و کویر، ترمه، میعاد در لجن، حریق باد» تا ۴۲ سالگی شاعر به چاپ رسیده‌اند. در این چهار دفتر شاعر در مجموع ۱۲۲ بار رنگ سرخ یا تداعی‌گر اصلی آن یعنی واژه «خون» را به کار برده است. این تعداد نزدیک به ۷۰ درصد کاربرد رنگ سرخ در کل اشعار نصرت را شامل می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نصرت در سال‌های جوانی‌اش، بیشتر تحت تأثیر احساساتی از قبیل عصبان و خشم و اعتراض بوده است. در یکی از اشعار دفتر کوچ و کویر که نخستین دفتر شعری او محسوب می‌گردد، این مفهوم عصبان و سرکشی را به خوبی نشان داده است. «برو بگذار در این واپسین دم / برای ملتَم شعری بگویم / برو بگذار تا بدنامی خویش / به خون شعر از دامن بشویم / سبو بشکن به دور افکن که این می / مرا زهری است بر لب می‌فشانی / شراب شاعر این شهر خون است / نمی‌خواهم شراب ارغوانی.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۳۱) رحمانی در یکی از مصاحبه‌هایش، خودش را شاعری عصیانگر و معترض معرفی کرده است «شعر من گرایش به نوعی آنارشسیسم است؛ یعنی شورش علیه هر چیز مستقر، علیه نظم موجود، یعنی گرایش به انسان‌دوستی و آزادی و عدالت» (سرکوهی، ۱۳۶۹: ۳۳)

یکی از نتایج این پژوهش آن است که رنگ سرخ، پس از رنگ سیاه، بیشترین تطابق را با معانی و مفاهیم مطرح شده در شعر نصرت رحمانی دارد.

یکی دیگر از محققان هم رنگ قرمز نشانه خطر، فعالیت، شجاعت، اراده قوی، قدرت، جنگ، هیجان، آتش، خون، خشم و برانگیختگی است. (رک. استوار، ۱۳۹۱: ۲۰) جالب آن که نصرت هم به این که رنگ سرخ، رنگ جنگ است به صراحت اشاره کرده است. «و سنگِ سرخ، رنگ جنگ شد / و یکه‌تاز بی‌رقیب دشت شد / به روی صخره‌ها چه اصل‌ها نوشته شد / چه دیر سنگ را شناختیم / که زندگی و عشق را / به قلوه‌سنگ باختیم.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۵۸۷) در شعر زیر که در مجموعه «حریق باد» در سال ۱۳۴۹ منتشر کرده است، روزگارش را روزگار همه‌مهمه تازیانه‌ها دانسته است.

«ای خاطرات کهنه پرپر / دیگر سخن ز همه‌مهمه تازیانه‌هاست / ای در مدار درد عزیزان / گیسوی تازیانه چه سرخ است / گلگون به رنگ خون» (همان: ۴۴۱) شاعر در تصویری کنایه-آمیز، همراه با خشم و اعتراض، رشته‌های تازیانه را گیسوهای تازیانه فرض کرده است که بر اثر برخورد سهمگین آن بر پیکر انسان‌ها، خون‌آلود و سرخ‌رنگ شده است.

لوشر همچنین رنگ سرخ را «سمبلی از خون غالب، شعله‌های آتش جاودانی، فطرت و خلق و خوی آتشین» دانسته است. (لوشر، ۱۳۷۳: ۸۳) این خلق و خوی آتشین را به صراحت می‌توان از شعر زیر دریافت کرد. «دیرگاهی است آرزو دارم / ای زن سبز چشم در یک شب / تخم چشم تو را برون آرم / زیر دندان خویش بفشارم / بمکم سبزه‌های ماتش را / تا دو چشم تو هم کبود شود / شب شود / غم شود / غروب شود» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۳۲۹) یکی از پژوهشگران شعر نصرت معتقد است «نصرت با کینه-هایی که در تمام دوران زندگی او را تنها نمی‌گذارند، انتقام‌جوی بی‌رحمی می‌شود. در خشم و هیاهوی دورنیش، هیچ چیز رام نمی‌شود. نتیجه آن می‌شود که می‌خواهد بر همه بتازد.» (اخوان‌لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲۹۸)

## الف. ۲) رنگ آبی

آبی، از رنگ‌هایی است که در نگاه صاحب‌نظران، به طور کلی بر مفاهیم مثبت همچون آرامش و تسکین و امیدواری دلالت دارد. (رک. گامینگ و دپورا، ۱۳۸۴: ۲۳) از نظر لوشر هم رنگ آبی «به معنای آرامش است. اندیشیدن درباره این رنگ، از یک تأثیر آرام‌بخش در سیستم اعصاب مرکزی برخوردار است. از نظر روان‌شناسی، رنگ آبی، گرایش به حساس بودن و دل‌آزرده شدن را نیز افزایش می‌دهد.» (لوشر، ۱۳۷۹: ۷۸) نصرت در یکی از شعرهایش معنایی از رنگ آبی اراده کرده که هر چند معنایی مثبت دارد، اما تازه هستند و در آرای

روانشناسان دیده نمی‌شود. «تورا به سرخ / به آبی / تورا به پاکی و رادی / تورا به آزادی / به سبز دشت جهان، گرگ باش، بزه مباش.» (رحمانی، ۱۳۷۴: ۵۷) این که شاعر رنگ آبی را مترادف پاکی و رادی و آزادی دانسته، دارای مفهومی آرام‌بخش و تسکین‌دهنده است. اما در شعر زیر، با وجود آن که شاعر آسمان را آبی وصف کرده، فضای کلی شعر، فضایی مأیوس‌کننده و اندوه‌بار است.

«بس عبث می‌کاوی / ای همدرد درمان نیست نیست / آسمان آبی است، آبی، / هر دیاری پا کشی / بس عبث می‌پویی / ای رهرو که ره گم کرده‌ای / گر تن خود از زمین بر آسمان بالا کشی.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۸۹)

در دیگر موارد، شاعر از کاربرد رنگ آبی، بیشتر قصد توصیف و تصویرگری داشته است. یکی از طیف‌های رنگ آبی، کبود است. رنگ آبی وقتی پررنگ شود، به کبودی می‌گراید. در آزمایش لوشر هم بر آبی تیره تأکید بیشتری شده است. لوشر اعتقاد دارد که رنگ آبی تیره، متضمن یک آرامش روحی، متانت رفتار و علاقه به اصول اخلاقی و پشتکار به امور زندگی است. از نظر رمزی هم شبیه به (دریای) آبی آرام و خُلق و خوی آرام است. (رک. لوشر، ۱۳۷۹: ۸۱) در شعر نصرت هم در چند جا، دریا با صفت کبود وصف شده، با این تفاوت که دریای کبود نصرت، متلاطم و ژرف است که باز هم نشان دهنده روح عاصی و سرکش شاعر است.

«بردم تن پر از عطش خود را / در عمق آب شور بیندازم / بردم که این وجود سیه خورا / در ژرف آن کبود نهران سازم» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۲۳۲) در یک مورد هم «لاجورد» را رنگ شعر سهراب سپهری دانسته است. (همان: ۶۴۳) لاجورد رنگی آبی مایل به سیاه است. (معین، ۱۳۸۳: ذیل لاجورد) جالب آن که شعر خودش را هم شعری سیاه دانسته است. (رک. رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۵۶)

### الف. ۳. رنگ زرد

نکته‌ای که درباره کاربرد رنگ زرد در شعر رحمانی اهمیت دارد، آن است که معانی و مفاهیمی که برای این رنگ برشمرده‌اند، در شعر نصرت رحمانی کمتر دیده می‌شود. رنگ زرد از نظر لوشر «نمایانگر توسعه‌طلبی بلامانع، سهل‌گرفتن و تسکین خاطر است. این رنگ نماد شباهت گرمای نور آفتاب و روحیه شادی و خوشبختی است. عنصر عاطفی آن، زنده‌دلی و امیدواری است.» (لوشر، ۱۳۷۹: ۹۰) از نگاه دیگر محققان نیز، زرد، رنگی شاد، بشاش، جاقفاده و دلپذیر است. (رک. آیزمن، ۱۳۸۸: ۳۵) اما از رنگ زرد، در اشعار نصرت رحمانی، چنین

مفاهیمی دریافت نمی‌گردد. همچون شعر زیر که شاعر با کاربرد رنگ زرد، فضایی لبریز از ناامیدی و ناامنی ترسیم کرده است.

«برگی تنها و غمینم / با شنلی زرد / بازمانده از قافله باد / اینک پایی بزرگ / بر فراز سرم خیمه بسته است / آری فرود خواهد آمد.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۶۶۴)

نصرت رحمانی خودش را به برگ‌های تنها و غمگین مانند کرده که هر لحظه ممکن است در زیر پای کسی خرد گردد. شنل زرد قرینه‌ای برای یادکرد سرمای پاییز و زمستان است. این فضای ناامیدی و اندوه را از شعر زیر نیز می‌توان دریافت کرد. در این شعر، شاعر شرح حال خویش را، از زبان پرنده‌ای بازگو می‌کند که با جوجه‌هایش سخن می‌گوید:

«در واپسین دم هستی / با جوجکان خویش چنین گفت / من درد بوده‌ام / عمری میان شعله امید دل / می‌سوختم، شگفت که دلسرد بوده‌ام / تب کرده‌ام ز عشق / خون خورده‌ام ز رنج که از شعر گل کنم / در باغ عشق و شعر، گل زرد بوده‌ام.» (همان: ۶۸۵)

لوشر معتقد است که اگر رنگ زرد در جایگاه دوم تا ششم رنگ‌های منتخب قرار بگیرد، نشانه تسکین و آرامش خاطر شخص است. (لوشر، ۱۳۷۳: ۹۰) اما باید گفت، با وجود آن که زرد در جایگاه سوم رنگ‌های پرکاربرد شعر نصرت رحمانی قرار دارد، اما چنین مفهومی از آن در اشعار وی دریافت نمی‌گردد. برعکس گفته لوشر رنگ زرد در شعر نصرت رحمانی، نماد ترس و وحشت است.

«به مرگ کیست بگوید / که: / زرد جامه ترس است / سرخ خلعت خون.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۴۱۰)

این که رحمانی «زرد» را رنگ ترس دانسته، با نظر برخی از پژوهشگران مطابقت دارد. «از قرون وسطی تاکنون زرد، نشانه بیماری محسوب می‌شود و مدت زیادی است که ترس و بزدلی را تداعی می‌کند.» (دی و تایلور، ۱۳۸۵: ۱۴) مهم‌ترین تداعی‌گر رنگ زرد هم واژه‌های «طلایی و زرین» هستند که در شعر نصرت رحمانی نُه بار به کار رفته است. فقط در یک مورد که شاعر «عشق» را به کلیدی طلایی تشبیه کرده، می‌توان مفهومی مثبت و امیدوارکننده از رنگ زرد در شعر وی دریافت کرد. «آینه دار / وقتی که عطر شعرهای پریشم / در سایبان گوش تو پیچید / روح من، این گسیخته از تبار درد / در هر دم شعله نَفَسْت سوخت / آموخت / عشق، این کلید طلایی / در قفل مرگ نمی‌گردد» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۶۱۷)

الف. ۴) رنگ سبز



رنگ سبز در مجموع هفت بار در شعر نصرت رحمانی به کار رفته است. جالب آن که در شش مورد از این هفت مورد، شاعر چشم یا تن معشوق را با رنگ سبز توصیف کرده است. مفاهیمی را که لوشر برای رنگ سبز برشمرده، کمتر می‌توان در شعر نصرت رحمانی مشاهده کرد. از آنجایی که رنگ سبز در شعر نصرت رحمانی، در جایگاه ششم قرار گرفته، در آزمایش لوشر، رنگی طرد شده محسوب می‌گردد. از نظر لوشر، اگر سبز طرد شود نشان دهنده اضطرابی است که شخص برای آزاد کردن خود از تنش‌ها متحمل می‌شود. (رک. لوشر، ۱۳۷۹: ۸۵) در پایان این بخش باید گفت، به طور کلی، اگر یکی از رنگ‌های اصلی (آبی، سبز، سرخ و زرد) در جایگاه اول تا پنجم قرار نگیرند، نشان دهنده سرخوردگی و عقده‌های ذهنی و کمبودهای عاطفی شخص است. (رک. لوشر، ۱۳۷۳: ۳۶)

### ب) رنگ‌های فرعی

در آزمایش لوشر چهار رنگ سیاه، قهوه‌ای، خاکستری و بنفش، رنگ‌های فرعی یا کمکی محسوب می‌شوند. چراکه در واقع «سیاه و خاکستری رنگ نیستند. سیاه طرد همه رنگ‌ها است. خاکستری، بی‌رنگ و خنثی است. بنفش ترکیبی از آبی و قرمز است، قهوه‌ای هم ترکیبی از رنگ‌های نارنجی و سیاه است که رنگی تیره و نسبتاً بی‌روح محسوب می‌شود. گرایش به هر یک از این چهار رنگ را می‌توان نوعی منفی‌بافی و پوچ‌گرایی به زندگی دانست.» (لوشر، ۱۳۷۳: ۳۶) در واقع، هدف از اضافه کردن چهار رنگ فرعی یا کمکی، بالابردن سطح اعتماد و سودمندی آزمایش است. در این بخش هم چهار رنگ کمکی بر اساس بسامد کاربرد در شعر رحمانی، تجزیه و تحلیل می‌شوند.

### ب.۱) رنگ سیاه

برجسته‌ترین رنگ در شعر نصرت رحمانی «سیاه» است که در مجموع ۲۱۷ بار کاربرد داشته است. این تعداد نزدیک به ۴۷ درصد از کل کاربرد رنگ‌های مختلف در اشعار او را شامل می‌شود. لازم به ذکر است که این آمار شامل واژه‌هایی همچون، تیره، تار، ظلمت و تاریک نیز می‌شود که مترادفات رنگ سیاه محسوب می‌گردند. از منظری دیگر، در بیش از ۸۵ درصد از مواردی که رنگ سیاه یا مترادفات آن را به کار برده، معنایی مجازی از این رنگ را اراده کرده است. مثلاً در شعر زیر ترکیب «دامن سیاه روزگار» نشان دهنده اوضاع ناامیدکننده و ناگواری است که شاعر از زمانه خودش به تصویر کشیده است. «بیا بیا که چو ابر بهار گریه کنیم / به دامن سیه روزگار گریه کنیم.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۹۰) ترکیباتی که رحمانی با رنگ سیاه و مترادفات ارائه کرده، طیف وسیعی از عناصر و اشیاء را در بر می‌گیرد. گویی شاعر، همه عناصر



در مجموع باید گفت، در شعر نصرت رحمانی، از میان رنگ‌های هشتگانه، سیاه بیشترین تطابق را با معانی و مفاهیم مورد نظر ماکس لوشر دارد.

### ب. ۲) رنگ خاکستری

خاکستری از نظر لوشر «خنثی است، یعنی نه عینی است و نه ذهنی، نه بیرونی است و نه درونی، نه اضطراب‌آفرین است، نه آرام‌بخش. خاکستری فاقد حیطة و قلمرو بوده و فقط یک رمز است.» (لوشر، ۱۳۷۹: ۷۴) رنگ خاکستری به صراحت در شعر رحمانی به کار نرفته، اما مهم‌ترین تداعی‌گر آن، یعنی خود خاکستر ۱۷ بار به کار رفته است. نکته قابل‌تأمل آن است که این رنگ که در آزمایش لوشر از رنگ‌های فرعی و طردشده محسوب می‌گردد، در شعر رحمانی جزو پنج رنگ نخست قرار دارد. لوشر معتقد است اگر خاکستری جزو پنج رنگ اول قرار بگیرد، مهم و پرمعنا است و بیانگر حالت خستگی، فرسودگی و فشار روحی خاص است. (رک. همان: ۷۷) در شعر زیر هم که شاعر واژه «خاکستر» را به کار برده، مفهومی از خستگی و فرسودگی روحی شاعر را می‌توان دریافت کرد. «سیاهی‌ها / بگویدم به زیر چکمه چله نشین رنج‌های تلخ / به کینه، مانده خاکسترم را روی خط جاده هستی بیفشانید.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۰)

### ب. ۳) رنگ قهوه‌ای

از نظر لوشر در «رنگ قهوه‌ای انزوی و زنده‌دلی رنگ سرخ کاهش یافته و دل‌مردگی و تسلیم به تاریکی جایگزین آن شده است. رنگ قهوه‌ای، فاقد انگیزه و نیروی حیاتی است.» (لوشر، ۱۳۷۳: ۹۵) قهوه‌ای در شعر رحمانی، از رنگ‌های طردشده محسوب می‌گردد. «طردکننده رنگ قهوه‌ای، به خاطر سرسختی و لجاجت، فردگرا است. برای او نیاز واقعی به تعلق داشتن و وابستگی گروهی اهمیت چندانی ندارد.» (همان: ۹۶) نصرت رحمانی سه بار واژه «قهوه» را به کار برده است. باید گفت، خود رنگ «قهوه‌ای» در واقع صفتی است که از همین واژه ساخته شده است. تنها در یک مورد «قهوه‌ای» را به عنوان صفت به کار برده است. «کولی من / ای چشم قهوه‌ای / فنجان قهوه را بردار / بنگر در آن مدار / بر خاطرات من / باور دویده است بر خطه یقین.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۵۸۴)

### ب. ۴) رنگ بنفش

بنفش ترکیبی از دو رنگ سرخ و آبی است. «بنفش می‌تواند به معنای هم ذات‌پنداری، صمیمیت و یا حتی به معنای کشف و شهود باشد. کیفیت‌های رؤیائی و غیرواقعی رنگ بنفش، نمایانگر نوعی ناتوانی و دودلی در مسائل زندگی است که نشان از بی‌مسئولیتی و ناتوانی

در مقابل مشکلات دارد.» (لوشر، ۱۳۷۳: ۹۱) رنگ بنفش در شعر نصرت رحمانی تنها دو بار به کار رفته است. هر دو بار هم در دفتر شعر «بیوه سیاه» بوده که در بردارنده آخرین شعرهای وی محسوب می‌شود. جالب آن که در هر دو مورد هم شاعر رنگ «تیغ» را بنفش دانسته است. «اندوه را کبود بیندیش / وقتی بنفش تیغ روان است روی نبض / و انجماد نشسته است در آبی ورید.» (رحمانی، ۱۳۸۵: ۶۶۵) باید گفت بنفش، در رتبه‌بندی رنگ‌های دیوان رحمانی، در جای هشتم و آخر قرار دارد. لوشر معتقد است که اگر رنگ بنفش در مکان هشتم قرار بگیرد «نمایانگر این حالت است که تمایل به ایجاد ارتباط و صمیمیت با دیگران، به خاطر موقعیت نامناسب و یا عدم امکان ارتباط، طرد شده است. این ناکامی در ایجاد ارتباط، ناشی از روحیه محافظه‌کارانه افراطی و عدم دخالت‌پی‌گیر در روابط است.» (لوشر، ۱۳۷۹: ۹۴)

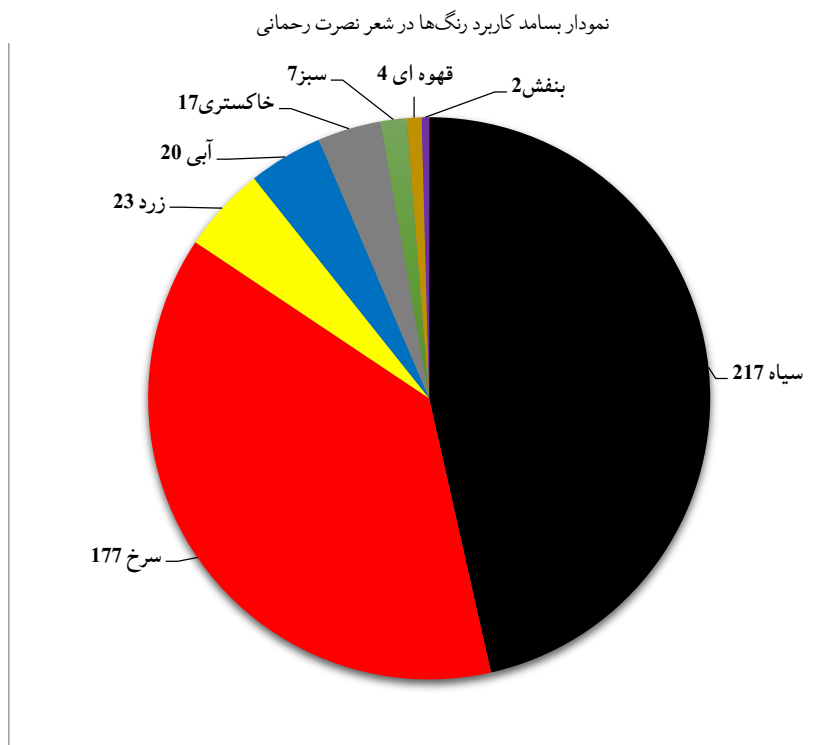
جدول کاربرد رنگ‌ها به تفکیک دفترهای شعر نصرت رحمانی

نام دفتر شعر	سال چاپ	رنگ های اصلی							رنگ های فرعی			
		آبی	سبز	سرخ	زرد	بنفش	قهوه‌ای	سیاه	خاکستری			
کوچ و کویر	۱۳۳۴	۲	--	۱۸	۱	--	--	۶۱	۲			
ترمه	۱۳۳۶	۵	۱	۲۶	۶	--	۱	۵۹	۴			
میعاد در لجن	۱۳۴۶	۳	۳	۳۸	۳	--	--	۵۴	۱			
حریق باد	۱۳۴۹	۱	--	۴۰	۲	--	--	۱۱	۳			
پیاله دورِ دگر زد	۱۳۶۸	۳	۲	۲۱	۳	--	۳	۱۸	۳			
شمشیر معشوقهٔ قلم	۱۳۶۸	--	--	۲	۱	--	--	۳	۲			
بیوهٔ سیاه	۱۳۸۱	۶	۱	۳۲	۷	۲	--	۱۱	۲			

جدول کاربرد رنگ‌ها بر اساس بسامد

ردیف	نام رنگ	بسامد	درصد
۱	سیاه	۲۱۷	۴۶/۴۶
۲	سرخ	۱۷۷	۳۷/۹۰
۳	زرد	۲۳	۴/۹۲
۴	آبی	۲۰	۴/۲۸
۵	خاکستری	۱۷	۳/۶۴

۶	سبز	۷	۱/۴۹
۷	قهوه ای	۴	۰/۸۵
۸	بنفش	۲	۰/۴۲
مجموع		۴۶۷	۱۰۰



#### پ) دسته‌بندی رنگ‌های موردعلاقه شاعر

برای انجام آزمایش لوشر، ابتدا از فرد آزمایش شونده خواسته می‌شود تا ۸ کارت رنگی را به ترتیب علاقه، از چپ به راست بچیند. پس از گذشت ۱۵ دقیقه، همین کار دوباره تکرار می‌گردد. در تحقیق حاضر، به دلیل آن که انتخاب دوم امکان‌پذیر نیست، همان گروه رنگ‌های نخست، دوباره چیده می‌شوند. انتخاب ۸ رنگ در شعر نصرت رحمانی به ترتیب جدول زیر است. با این توضیح که اعدادی که در پرانتز نوشته شده، شماره‌هایی هستند که در آزمایش لوشر به هر رنگ اختصاص داده شده است.

بنفش (۵)	قهوه ای (۶)	سبز (۲)	خاکستری (۰)	آبی (۱)	زرد (۴)	سرخ (۳)	سیاه (۷)	انتخاب اول
بنفش (۵)	قهوه ای (۶)	سبز (۲)	خاکستری (۰)	آبی (۱)	زرد (۴)	سرخ (۳)	سیاه (۷)	انتخاب دوم

سپس این ۸ انتخاب، از شماره ۱ تا شماره ۸ به ۴ گروه ۲ تایی تقسیم می‌شوند. هریک از چهار گروه نشان دهنده یک وضعیت متفاوت شخصیتی است که با علامت ویژه‌ای هم نشانه‌گذاری می‌شود. وضعیت نخست که با علامت (+) نشانه‌گذاری می‌شود، نشان دهنده «گرایش و میل شدید فرد» است. وضعیت دوم که با علامت (×) نشانه‌گذاری می‌شود، نشان دهنده «بیان واقعی موضوع» است. وضعیت سوم که با علامت (=) نشانه‌گذاری می‌شود، بیانگر «استعداد ویژه‌ای است که از آن‌ها استفاده نشده ولی طرد هم نشده است». وضعیت چهارم و آخر که با علامت (-) نشانه‌گذاری می‌شود، نشان دهنده «نفرت یا گریز فرد» است.

دسته‌بندی رنگ‌های مورد علاقه نصرت رحمانی

وضعیت اول	وضعیت دوم	وضعیت سوم	وضعیت چهارم
+ ۷ + ۳	× ۴ × ۱	= ۰ = ۲	- ۶ - ۵
+ ۷ + ۳	× ۴ × ۱	= ۰ = ۲	- ۶ - ۵

(ت) تحلیل روان‌شناختی وضعیت‌های چهارگانه

ت. ۱) وضعیت نخست (زوج سیاه و سرخ)

سیاه (+۷): فرد «محیط را ناسازگار و غیر قابل تحمل می‌بیند و هر چیزی را که بخواهد بر ذهنیتش اثر بگذارد، نفی می‌کند.» (لوشر، ۱۳۷۳: ۱۶۳) سرخ (+۳): فرد «مشتاق نوعی زندگی کامل است که در آن نیازهای روحی و جسمی خود را ارضاء کند.» (همان: ۱۵۳)

ترکیب دو رنگ (سیاه و سرخ): «رنج بزرگ او تأثیرپذیری شدیدش از محرک‌های مختلف است که خود را به صورت انگیزه‌های ناگهانی و ناشکیبایی و بی‌طاقتی نشان می‌دهد.» (لوشر، ۱۳۷۳: ۱۶۴) اخوان لنگرودی درباره این وجه از روحيات نصرت رحمانی نوشته است «گاه با دیدن رنج و عذاب فقیران، چنان از خود بی‌خود می‌شود که نمی‌تواند با هیچ اشرافیتی رابطه برقرار کند. دلش نمی‌آید غم گرسنگی مهجوران سرزمینش را ببیند و بی‌خیال بگذرد. شاعر پاره‌نه‌هاست که ساختمان شعرش از رنگ فقر، چهره دارد.» (اخوان لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۷)

ت. ۲) وضعیت دوم (زوج زرد و آبی)

زرد (×۴): فرد «مجدوب هر چیز نو و تازه می‌شود. از هر چیز عادی، کسل‌کننده و سنتی، خسته می‌شود.» (لوشر، ۱۳۷۳: ۱۷۵) آبی (×۱): فرد «دوست دارد با همراهان و نزدیکانش

احساس آرامش و آسایش کند.» (همان: ۱۶۸) ترکیب دو رنگ (زرد و آبی): فرد «به آسانی تحت تأثیر محیط پیرامون خویش قرار می‌گیرد و به راحتی از عواطف دیگران متأثر می‌شود.» (لوشر، ۱۳۷۹: ۱۶۶) وضعیت دوم شاعر، شبیه به وضعیت اول اوست. این که زود تحت تأثیر محیط و احساسات دیگران قرار می‌گیرد و واکنش نشان می‌دهد. در تأیید روحیه نوجویی نصرت رحمانی نیز گفته‌اند «عنصر مهم شعر او این است که همواره در جستجوی اندیشه‌های بکر و دست نخورده است.» (اخوان لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۸۶)

### ت. ۳) وضعیت سوم (زوج خاکستری و سبز)

خاکستری (=۰): «برای کاستن از اضطراب خود، می‌کوشد تا در برابر کشمکش‌های درونی و اختلالات روحی از خود دفاع نماید.» (لوشر، ۱۳۷۹: ۱۷۵) سبز (=۲): «شرایط به نحوی است که شخص قادر به تثبیت موقعیت خود نیست، ولی در عین حال احساس می‌کند که باید از موقعیت موجود استفاده کند.» (همان: ۱۷۸) ترکیب دو رنگ (خاکستری و سبز): فرد «احساس می‌کند که کمتر از سهم خود از زندگی دریافت می‌کند، ولی خود را ناگزیر می‌بیند که با زندگی روی سازش نشان دهد و از شرایط موجود بهترین استفاده را بنماید.» (همان: ۱۷۶) وضعیت فوق، نشان دهنده روحیه دو بعدی شاعر است. نصرت رحمانی با این که شاعر غم و تنهایی است، اما هیچ‌وقت انکارکننده حیات نیست. با تمام وجودش به زندگی چسبیده است. گاه آن چنان عاشق زندگی است که لب‌هایش بر پستان پُرشیر زندگی، یک لحظه از میکیدن، باز نمی‌ماند. (اخوان لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

### ت. ۴) وضعیت چهارم (زوج قهوه‌ای و بنفش)

قهوه‌ای (۶-): فرد «نیازی برآورده نشده به دوستی و معاشرت با کسانی دارد که همچون او معیارهای عالی دارند. این خواسته او، موجب انزوای او می‌گردد.» (لوشر، ۱۳۷۹: ۲۳۰) بنفش (۵-): فرد «از خوش‌سلیقگی و زودرنج بودن لذت می‌برد. کنترلی شدید را در روابط عاطفی خود به کار می‌برد تا دقیقاً بداند که در چه وضعی قرار دارد.» (همان: ۲۲۳) ترکیب دو رنگ (قهوه‌ای و بنفش): فرد «نسبت به احساسات لطیف، حساس و مستعد است. آرزو دارد نوعی دوستی عمیق مبنی بر تفاهم عاشقانه داشته باشد، ولی این آرزوی او برآورده نمی‌شود، زیرا شرایط مساعد نیست. فردی مشکل‌پسند و دوستدار زیبایی بوده و سلیقه خاص فرهنگی دارد.» (همان: ۲۳۶) نصرت رحمانی به ویژه در دفترهای نخستین شعرش، از بی‌وفایی و نامهربانی کسانی که ظاهراً اظهار دوستی می‌کنند، گلایه می‌کند. وی در مقدمه دفتر «میعاد در لجن» مطالبی گفته که دقیقاً با وضعیت چهارم مطابقت دارد. «در روزگاری که تفاهم، تنها

روزنه نجات انسان است، ما به تضاد می‌اندیشیم. چه انگیزه‌ای ما را چنین بار آورده است؟ (رحمانی، ۲۵۸:۱۳۸۵)

### نتیجه‌گیری

آزمایش رنگ لوشر، شیوه‌ای نوین برای رهیافت به برخی ویژگی‌های روانی و شخصیتی افراد است. در این آزمایش با دو موضوع محوری سر و کار داریم. نخست معانی و مفاهیمی که برای هر یک از رنگ‌ها از پیش تعریف شده است و دیگر، ترتیب قرار گرفتن رنگ‌ها در انتخاب آزمایش شونده است. بر اساس نظریه لوشر، فردی که از نظر روحی و روانی متعادل است و هیچ کمبود عاطفی و ذهنی ندارد، باید چهار رنگ اصلی (آبی، سبز، سرخ و زرد) را در اولویت انتخاب خود قرار دهد، در حالی که رنگ سبز، انتخاب ششم رحمانی است، پس رنگی طرد شده محسوب می‌شود. این وضعیت نشان دهنده آن است که شخص دچار سرخوردگی شده و کمبودهای عاطفی و روانی دارد. رنگ سیاه ضمن این که پرکاربردترین رنگ در اشعار رحمانی است، بیشترین تطابق را هم با معانی و مفاهیم مورد نظر ماکس لوشر دارد. به همین دلیل هم مفهوم غالب اشعار نصرت رحمانی، ناامیدی و تهایی و اندوه است. سرخ، دومین رنگ پرکاربرد در شعر رحمانی است. سرخ از نظر لوشر، رنگ برانگیختگی و عصیان و خشم است. بخش زیادی از اشعار نصرت رحمانی هم بیانگر روح ناآرام و سرکش و معترض شاعر است. رنگ زرد، با وجود آن که از رنگ‌های محبوب شاعر محسوب شده و در روان‌شناسی هم برای آن معانی دلگرم‌کننده در نظر گرفته‌اند، اما در شعر نصرت رحمانی چنین مفاهیمی را کمتر القا می‌کند. با تحلیل کامل رنگ‌های هشتگانه، می‌توان گفت رحمانی فردی است که روحیه‌ای لطیف و حساس دارد که رنج و حرمان هموعانش او را آزار می‌دهد. شاعری که احساس تهایی و اندوه همیشه همراه اوست و به همین دلیل زود پرخاشگر و عصبی می‌شود.



## منابع

- الف) کتاب‌ها
- آیزمن، بتاتریس. (۱۳۸۸) روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها (پنتون)، ترجمه روح‌الله زمزمه، تهران: بیهق کتاب.
- اخوان لنگرودی، مهدی. (۱۳۹۰) زندگی و شعر نصرت رحمانی، تهران: نشر ثالث.
- استوار، مسیب. (۱۳۹۱) کتاب رنگ، تهران: انتشارات رازنامه.
- پور علی‌خانی، هانیه. (۱۳۸۰) دنیای اسرارآمیز رنگ‌ها، تهران: هزاران.
- دی، جاناتان و لسلی تاپلور. (۱۳۸۵) روان‌شناسی رنگ، ترجمه مهدی گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- رحمانی، نصرت. (۱۳۸۵) مجموعه اشعار، تهران: انتشارات نگاه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۴) آوازی در فرجام (مجموعه اشعار)، تهران: نشر علم.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۴) چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶) صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- صبور، داریوش. (۱۳۸۷) فرهنگ شاعران و نویسندگان معاصر سخن، تهران: سخن.
- فلمار، کلاوس برند. (۱۳۷۶) رنگ‌ها و طبیعت شفابخش آن‌ها، ترجمه شهناز آذر نیوش، تهران: ققنوس.
- گامینگ، کاترین و ایتالیانو دبور. (۱۳۸۴) کتاب کوچک انرژی (رنگ‌های شفابخش)، ترجمه پریسا غفاری، تهران: انتشارات جاجرمی.
- لنگرودی، شمس. (۱۳۷۸) تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد دوم، تهران: نشر مرکز.
- لوشر، ماکس. (۱۳۷۳) روان‌شناسی و رنگ‌ها، ترجمه منیرو روانی پور، تهران: انتشارات آفرینش.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹) روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران: درس.
- معین، محمد. (۱۳۸۳) فرهنگ فارسی، جلد سوم، تهران: امیرکبیر.
- (ب) مقاله‌ها
- سرکوهی، فرج. (۱۳۶۹) مصاحبه با نصرت رحمانی، مجله آدینه، شماره ۵۳، صص ۳۸-۳۲.

